

نوشتن سخت ولی نغز است^۱

محمد عطاران

تصویرگر: سید میثم موسوی

اشاره

پژوهش از همان آغاز مستلزم نوشتن است؛ چه در مرحله نوشتن مسئله و گردآوری اطلاعات و چه به هنگام ارائه آن. بی‌شک بدون داشتن مهارت نوشتن نمی‌توان پژوهشگر خوبی بود. در این نوشته که در واقع گفتار مکتوب است، به اهمیت نوشتن و پیامدهای آن اشاره شده است.

می‌خواهم درباره نوشتن صحبت کنم. مهارتی که نه فقط دانشجویان مجازی، بلکه همه دانشجویان و دانش‌پژوهان باید با آن آشنا شوند. شاید به دلایلی که عرض خواهم کرد، در حوزه مجازی بیش از حوزه‌های حضوری و سنتی، ابزارهای دیجیتالی فرصت نوشتن را فراهم کرده‌اند. ما باید بتوانیم بهتر بنویسیم و آسان‌تر، بهتر و راحت‌تر فرصت‌های نوشتن برای خودمان ایجاد کنیم. نمی‌دانم دوستان در عرصه نویسندگی و نگارش کار کرده‌اند و مهارت دارند یا خیر؟ ولی به تعبیر بعضی از متفکران، ما با نوشتن در واقع انسان بودنمان را تأیید می‌کنیم. گذشتگان ما گفته‌اند که ما با فکر کردن از حیوانات متمایز می‌شویم. ولی این فکر تا صورت عینی به خود نگیرد و نگاشته نشود، نشان نمی‌دهد که ما اهل فکر کردن و اندیشه‌ورزی هستیم یا نیستیم.

مونتینی از فیلسوفان قرن شانزدهم و جزو اولین «جستارنویسان»^۲ اروپاست که اهمیت نوشتن را عنوان کرد. او جستارنویسی را به‌عنوان مقوله‌ای جدی در اندیشه و تفکر وارد کرد. مونتینی در کتابی به نام «تأملات» می‌گوید که ما قرن‌های متمادی است که پی‌درپی حرف‌ها و نوشته‌های ارسطو را شرح می‌کنیم و می‌گوییم که او درباره خشم چه گفته یا درباره هیجان چه بیان کرده است. اگر یک‌بار از صبح تا شب فکر کنیم که وقتی خشمگین شدیم چه اتفاقی افتاد، نیازی به ارسطو نداریم و باید تجربه هیجانی خودمان را بنویسیم. اگر بنویسیم، می‌بینیم که خودمان هم یک پا ارسطو هستیم و نیازی به این نداریم که حرف‌های دیگران را بازخوانی، بازگویی و بازنویسی کنیم.

به نظر من، نوشتن به تجربه‌های پراکنده ما نظم می‌بخشد و امکان خلق کردن برای ما ایجاد می‌کند؛ به‌خصوص اگر از سنخ تجربه‌های زیسته باشد. من به‌طور جدی این تجربه

را در طول هفت هشت سال اخیر داشته‌ام. امر نوشتن به مقوله اساسی زندگی‌ام تبدیل شده است. این موضوع از زمانی شروع شد که به وبلاگ‌نویسی پرداختم.

من در حوزه آموزش عالی یا حداقل در علوم انسانی از معدود آدم‌هایی بودم که به ذهنم رسید در زمینه وبلاگ‌نویسی نوعی تجربه خاص داشته باشم. اوایل بیشتر ترجمه می‌کردم. خبرهایی را که به دستم می‌رسید، می‌نوشتم. بعد کم‌کم

خودم شروع کردم به اظهارنظر درباره ترجمه‌هایی که می‌کردم و از کسانی که با من تعامل داشتند، بازخورد آمد. نوشتن به تعبیر برخی مردم‌شناسان یک «کنش اجتماعی» است، نه فردی. من این را احساس نمی‌کردم تا زمانی که بازخورد نوشتن خود را تجربه کردم.

ظهور وبلاگ‌ها- هرچند که به دست یک دانش‌آموز یا دانشجو نوشته شوند- نشانه مثبتی است از اینکه از دوره سنتی به دوره مدرن حرکت می‌کنیم که شاخص‌های متفاوتی دارد. یکی اینکه ما را از قلمرو شفاهی به عالم

مکتوب هدایت یا منتقل می‌کند. دیگر اینکه ما را از جمع‌گرایی به فردگرایی می‌برد. ما هر قدر مدرن‌تر شویم، هم از حالت‌های شفاهی دور خواهیم شد هم از حالت‌های جمع‌گرایی که تمایز و تشخیص ما در آن چندان روشن و مشخص نیست. البته نوشتن یک مهارت علمی و اکتسابی است. آن‌ها که

نوشتن به تجربه‌های پراکنده ما نظم می‌بخشد و امکان خلق کردن برای ما ایجاد می‌کند؛ به‌خصوص اگر از سنخ تجربه‌های زیسته باشد



در فضای مجازی این امکان و مجال هست که دوستان دانشجوی ما به مهارت نوشتن، که مهارت بسیار مهمی است، دست یابند

تاکنون نوشتن را آغاز نکرده‌اند، فکر می‌کنند که خیلی رنج دارد. کسانی که تا حالا ننوشته‌اند، فکر می‌کنند نوشتن کار پیچیده و سختی است. قدیم‌ها این‌طور بود که هر کس بلد بود انشا بنویسد، آدم خیلی شاخصی در خانواده محسوب می‌شد و همیشه محل رجوع بود برای انشانویسی. الان هم که من به دانشجویان می‌گویم بنویسید، گاهی می‌بینم چیزهای کلی نوشته‌اند که همه‌جا به کار گرفته می‌شوند و آخرش هم هیچ ربطی به مسئله ندارند.

نوشتن مهارتی عملی است. البته اولش سخت است. برای من خیلی سخت بود که بنویسم و ساده بنویسم. به قول مردم‌شناسان، از ایده‌ها نباید شروع کرد بلکه از اشیا باید شروع کرد. از صبح تا بعدازظهر بر ما چه گذشت؟

من فکر می‌کنم در فضای مجازی این امکان و مجال هست که دوستان دانشجوی ما به مهارت نوشتن، که مهارت بسیار مهمی است، دست یابند. یکی از دوستان ما در تحقیق

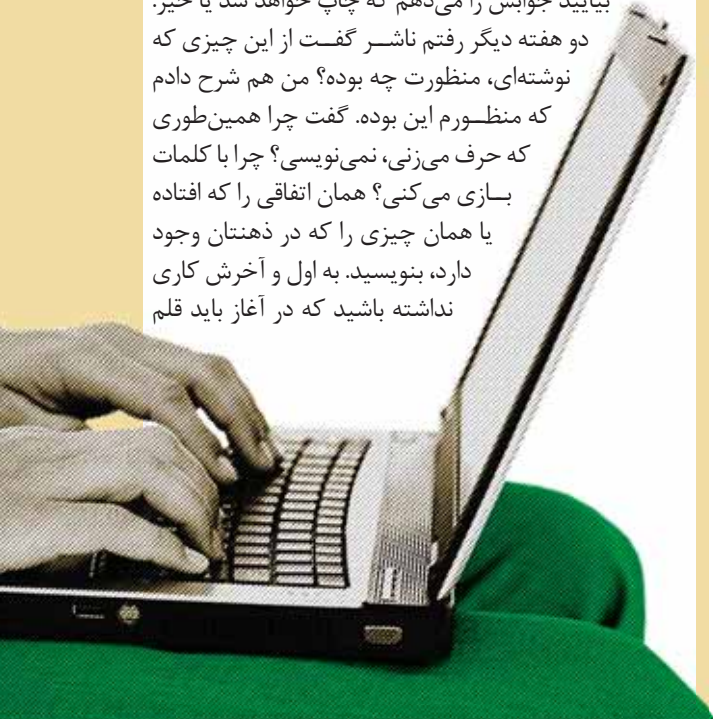
خود دانشجویان پیام نور و دانشجویان دانشگاه‌های حضوری را از نظر تسلط بر نوشتن مقایسه کرده و نتیجه خیلی جالبی گرفته بود. در دانشگاه‌های پیام نور، نوع ارزیابی‌ها تستی است یا چندگزینه‌ای و به‌صورت استاندارد. همه‌جا به این صورت اجرا می‌شود. تکلیفی مبتنی نگارش و تولید اندیشه وجود ندارد. لذا در مقایسه، دانشجویان پیام نور مهارتشان بسیار کمتر است. در دانشگاه‌های سنتی به‌هر حال ممکن است استاد گاهی بگوید که مقاله‌ای بنویسید اما در دانشگاه پیام نور، نوع ارزیابی اجازه چنین کاری را نمی‌دهد. ظن و گمان ما این است که دانشجویان دانشگاه مجازی فرصت بیشتری برای بسط مهارت‌های نوشتن دارند که به‌شدت برای تولید اندیشه و ایده به آن نیازمندیم.

چند سال پیش با خانمی در نشریه «رشد مدرسه فردا» مصاحبه کردیم. این خانم هم‌زمان در تهران کارشناسی فیزیک و در دانشگاهی مجازی در استرالیا، کارشناسی ارشد نجوم را می‌خواند. ایشان می‌گفت در آن دانشگاه مجازی، ارتباطات درسی به هیچ‌وجه حضوری نبود. تمام پروژه‌ها و ارزیابی‌ها در شکل جستار یا پروژه انجام می‌شدند و هیچ امتحان هم‌زمان و یکسانی هم وجود نداشت. می‌گفت با اینکه هیچ فردی را نمی‌بینم ولی آن قدر به تحصیل در این دانشگاه علاقه‌مند شده‌ام که از شدت هیجان پایم را بر موکت روی زمین می‌کوبم. موکت زیر رایانه من از بس پا کوبیده‌ام صاف شده است. لحظات هیجان‌انگیز فراوانی داشتم. وقتی مقاله‌ای تحلیلی نوشتیم و استاد برای دیگران نوشت که «تحلیل را از لایلا یاد بگیرید».

فضای مجازی امکان نوشتن و لذت بردن از آن را می‌دهد؛ لذتی که کمتر در دانشگاه‌های حضوری تجربه می‌کنیم. چند وقت پیش با یکی از دانشجویان دکترا مقاله‌ای می‌نوشتیم و من داشتم آخرین اصلاحات را انجام می‌دادم. شش‌ونیم صبح شروع کردم به نوشتن و خواندن. ویرایش چندم آن بود که انجام می‌شد. ساعت ۱۲ که تمام شد، حس بسیار خوشایندی به من دست داده بود؛ گویی فرزندی به دنیا آمده است. پس از این همه تلاش، پذیرفتن حضور او را در صحنه هستی می‌دیدم. هیچ‌وقت خواندن جای نوشتن را نمی‌گیرد. شاید شما خیلی فکر کنید ولی تا وقتی که آن‌ها را ننویسید، جمع نمی‌شوند. بعضی‌ها می‌گویند هنوز عقل ما کامل نشده است و اطلاعات کافی نداریم تا بنویسیم؛ در حالی که اطلاعات ضمن نوشتن خلق می‌شود.

از مونتینی نقل کنم. او معتقد است که نوشته نباید قلمبه و سلمبه باشد. او اتفاقات ساده زندگی‌اش را نوشته است. مثل اینکه من کاهو دوست دارم ولی کلم دوست ندارم. شاید زیاد قشنگ نباشد که این چیزها را بشنویم، ولی او معتقد بود باید سدهای نوشتن را بشکنیم. فکر نکنیم که نوشته حتماً باید قواعد یا قالب خاصی داشته باشد. شما وقتی شروع می‌کنید، راهش را پیدا خواهید کرد.

مرحوم دکتر محمود بهزاد، استاد درس روان‌شناسی فیزیولوژیک بنده در دانشگاه تهران که هنگام تدریس خیس عرق می‌شد از بس هیجان داشت، می‌گفت یک‌بار کتابی را که نوشته بودم، پیش ناشری بردم. ناشر گفت دو هفته دیگر بیایید جوابش را می‌دهم که چاپ خواهد شد یا خیر. دو هفته دیگر رفتم ناشر گفت از این چیزی که نوشته‌ای، منظورت چه بوده؟ من هم شرح دادم که منظورم این بوده. گفت چرا همین‌طوری که حرف می‌زنی، نمی‌نویسی؟ چرا با کلمات بازی می‌کنی؟ همان اتفاقی را که افتاده یا همان چیزی را که در ذهنتان وجود دارد، بنویسید. به اول و آخرش کاری نداشته باشید که در آغاز باید قلم



این گونه یا آن گونه باشد.

نوشتن را باید شروع کنیم و هیچ وقت تصور نکنیم باید کامل شویم و سپس بنویسیم. نباید به فکر کامل شدن عقلی مان باشیم. به فکر اینکه حتماً باید درباره ایده‌ها بنویسیم، نباشیم. از همین تجربه‌های ساده شروع کنیم. وقتی شروع می‌کنید به نوشتن، لذت آن را کشف می‌کنید. اگر وبلاگی هم داشته باشید و نوشته‌هایتان را در آن بیاورید و چند نفر آن را خوانند و به شما بازخورد بدهند، هیجان‌ات بازخورد را تجربه می‌کنید و ترغیب می‌شوید بیشتر بنویسید.

نکته بعدی این است که در فضای مجازی، ما نیاز جدی به نوشتن داریم. نباید «بردار و بچسب» کنیم. کپی پیست کردن در این فضا کاری بی‌معنی است. اگر دانشجویی باشید که باید پروژه‌هایتان را تحلیل کنید، این تکلیف‌ها مستلزم نوشتن است. از چسباندن تکه‌های کتاب‌ها چیزی عاید نمی‌شود و چیزی یاد نمی‌گیریم.

اما آنچه در دنیای دیجیتال کار ما را برای نوشتن راحت می‌کند، تایپ کردن است. شما تایپ کردن را باید به‌عنوان کاری جدی یاد بگیرید؛ کاری که نوشتن شما را ساده می‌کند. در سال‌های دور یادم هست که واژه‌پردازی مثل «Word» نبود. من وقتی فصل اول پایان‌نامه‌ام را با خودکار نوشتم و نزد استاد راهنمایم بردم، اولین چیزی که به من گفت این بود که با مداد بنویس تا وقتی لازم باشد اصلاح کنی، بتوانی پاک کنی. وقتی با خودکار می‌نویسی، باید بازنویسی کنی.

الان که من شرایط آن زمان را با فرصتی که تایپ کردن در اختیار ما قرار داده است مقایسه می‌کنم، می‌بینم فرصت بسیار مغتنمی است. توصیه می‌کنم مهارت تایپ کردن را یاد بگیرید. خواهید دید که نوشتن آسان‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌شود. من در سال ۱۹۹۰ در استرالیا بودم. استادمان مقالات را تایپ شده می‌خواست. یک روز از محله‌ای در سیدنی رد می‌شدم، دیدم پشت شیشه مغازه‌ای نوشته است، دو دیسکت ۸۰ دلار برای آموزش تایپ. آن را خریدم. دو فلاپی دیسک هم بیشتر نبود. آمدم و حدود یک ماه روزی پنج ساعت وقت گذاشتم. هر روز تمرین می‌کردم تا ماهی که برای خودم برنامه‌ریزی کرده بودم، توانستم خیلی راحت به‌عنوان یک تایپیست مسلط، انگلیسی را تایپ کنم. الان من هم انگلیسی و هم فارسی را تایپ می‌کنم و اصلاً قلم استفاده نمی‌کنم. لپ‌تاپم همیشه همراهم است هرچه بخوام تایپ می‌کنم. هرچه از دانشجو می‌خواهم، تایپ‌شده می‌خواهم و این الزامی است که برای شما در فضای مجازی به‌وجود آمده است. لذا تایپ کردن را یاد بگیرید.

این امکان جابه‌جا کردن کلمات را در تایپ کردن دست کم نگیرید. من دو تجربه زیسته در دو فضا داشته‌ام و این موضوع

را خوب حس می‌کنم. یکی از دوستان که تحصیل کرده لندن است و در امر نوشتن خیلی مهارت دارد، هم می‌نویسد و هم پرمحتوا می‌نویسد و نویسنده‌ای مؤثر است، می‌گفت به نظر من مهارت تسلط در تایپ به اندازه کارشناسی ارشد ارزش دارد. این حرف ممکن است از نظر شما مبالغه‌آمیز باشد

ولی اگر دستی در نوشتن داشته باشید، می‌فهمید چه امکاناتی به شما می‌دهد. قدرت دخل و تصرفی که پیدا می‌کنید، خیلی وسیع است. کسانی که در نگارش دستی دارند این موضوع را خیلی خوب متوجه می‌شوند. من بحثم را جمع می‌کنم و امیدوارم در حد تلنگری به ذهن، شما را حداقل به این فکر انداخته باشم که از امروز شروع کنید به نوشتن.

یکی از دانشجویان دکتر منصور، استاد دانشگاه تهران، می‌گفت من یک دفترچه ۶۰ برگی داشتم و آن را لوله می‌کردم و در جیبم می‌گذاشتم. وقتی در اتوبوس یا در جایی نکته‌ای به ذهنم می‌آمد، می‌نوشتم. وقتی رفتم پیش استاد کارم را تحویل دادم، گفت آنچه در دفترچه ۶۰ برگت نوشته‌ای، بیش از این

ارزش دارد. چون از قبل گفته بودم هرچه به ذهنم می‌آید، در آن می‌نویسم. سعی کنید یک وبلاگ داشته باشید. به آن به‌عنوان یک مد نگاه نکنید که حالا چون مد شده همه وبلاگ دارند، ما هم داشته باشیم. وبلاگی داشته باشید و در آن شروع کنید به نوشتن؛ ولو نوشتن خاطرات. می‌توانیم از اشیا و پدیده‌های اطراف خودمان شروع کنیم یا از محیط کارمان. من از همین‌ها شروع کردم. خیلی از مسائلی که در وبلاگم نوشته‌ام، بعداً به یک پژوهش یا مقاله تبدیل شده‌اند. این‌ها را جمع کرده‌ام و همین‌ها به من ایده داده‌اند. تجربه‌هایم برایم فقط حالت نوستالژیک ندارند. به کارگاه‌های آموزشی یا سفرهای علمی که می‌روم، تمام اتفاقاتی را که می‌افتند، مقید هستم که بنویسم. بعد این‌ها را جمع‌بندی و ارائه می‌کنم. فکر می‌کنم شما هم می‌توانید درباره تجربه‌های خود که بیش از هر مطلب دیگری برایتان ارزش دارد، بنویسید. در این صورت، در آینده ان‌شاءالله نویسنده خوبی خواهید شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. متن حاضر سخنرانی نویسنده برای یکی از دانشگاه‌های مجازی تهران است و مخاطبان دانشجویان کارشناسی ارشدند.

۲. معادل Essay

3. Cut and paste

**وقتی شروع می‌کنید
به نوشتن، لذت آن
را کشف می‌کنید.
اگر وبلاگی هم داشته
باشید و نوشته‌هایتان
را در آن بیاورید
و چند نفر آن را
بخوانند و به شما
بازخورد بدهند،
هیجان‌ات بازخورد
را تجربه می‌کنید
و ترغیب می‌شوید
بیشتر بنویسید**